

بررسی تطبیقی حوزه‌های ممنوع سرمایه‌گذاری خارجی در

حقوق افغانستان و ایران

نگارنده: دکتر اسدالله رادمند^۱

چکیده

حوزه‌های ممنوع سرمایه‌گذاری به بخش‌های محدودشده اقتصادی اطلاق می‌شود که توسط قانون‌گذار معلوم و مشخص شده که سرمایه‌گذار اعم از داخلی و خارجی نمی‌تواند در آن بخش‌ها فعالیت نماید. سرمایه‌گذار خارجی به شخص حقیقی و حقوقی یی گفته می‌شود که تابعیت افغانستان را نداشته باشد. این گروه از اشخاص که تابعیت افغانستان را ندارد، بر مبنای اصل دهم قانون اساسی افغانستان و همین‌طور قانون سرمایه‌گذاری خصوصی در برخی از محدوده‌ها، مجاز به فعالیت‌اند و از برخی بخش‌ها ممنوع گردیده‌اند. حقوق افغانستان نسبت به حقوق ایران روی کرد بازتری را نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی دارد؛ بدین معنا که از نظر حقوق افغانستان میان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تفاوتی قائل نشده است؛ در حالی که در حقوق اقتصادی ایران چنین وضعیتی وجود ندارد.

یافته‌های نگارنده نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی نمی‌توانند در حوزه‌هایی نظیر هسته‌یی، تولید و پروسس مواد مخدر؛ تولید، خرید و فروش اسلحه و تولیدات مشروبات الکلی فعالیت نمایند. تحقیق حاضر، محصول بررسی منابع مختلف کتابخانه‌یی است که به شیوه تحلیل انجام شده است که نگارنده با استفاده از تحلیل منابع معتبر و همین‌طور قوانین داخلی دو کشور به صورت تطبیقی انجام داده است.

واژه‌گان کلیدی: موانع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار خارجی، افغانستان و ایران.

مقدمه

سرمایه‌گذاری خارجی امر بدیهی و پذیرفته شده است. این امر ممکن است در داخل کشوری و یا ممکن است در خارج کشوری رخ دهد. سرمایه‌گذاری در خارج از کشور ممکن است دلایل متعددی داشته باشد که

^۱ . استاد فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون غالب - هرات. دکترای حقوق خصوصی radmand22@yahoo.com

نگارنده به دلایل مزبور متوسل نمی‌گردد؛ اما آنچه حائز اهمیت است این است که سرمایه‌گذار خارجی در چه حوزه‌هایی قادر به سرمایه‌گذاری است. آیا یک سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند در همه حوزه‌ها و قلمروهای اقتصادی یک کشور دیگر، بدون محدودیت و موانعی سرمایه‌گذاری نماید.

هر کشور با توجه به اقتضات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خویش قانون‌گذاری می‌کند. قانون‌گذاری در حوزه اقتصادی یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی است که نه تنها دربردارنده سرمایه‌گذاری داخلی است، بلکه شامل سرمایه‌گذاران خارجی نیز می‌گردد.

سرمایه‌گذاران خارجی تلاش بر این دارند که در بخش‌های مختلفی سرمایه‌گذاری نمایند؛ اما در برخی مواقع با موانع و محدودیت‌هایی مواجه می‌گردند. هر کشور نظام اقتصادی خاص خودش را دارد؛ به همین لحاظ، رویکرد اقتصادی هر کشور متفاوت است. افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای نظام اقتصادی با رویکرد باز است و بازار این کشور بر مبنای سکتور خصوصی و بازار آزاد شکل گرفته است. در این گونه نظام‌ها، چون مبنای آن بازار آزاد است؛ بنابراین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی نیز با محدودیت‌های کم‌تری مواجه هستند. قانون اساسی افغانستان در اصل دهم بازار اقتصاد افغانستان را بازار آزاد تعریف کرده و بر مبنای این اصل، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با کم‌ترین محدودیت فعالیت می‌نمایند. از این روی است که نسبت به حقوق سرمایه‌گذاری ایران، سرمایه‌گذاران خارجی در افغانستان با محدودیت و چالش‌های کم‌تری روبه‌رو است؛ در حالی که نظام اقتصادی ایران با رویکرد بسته شکل گرفته و سیاست‌های اقتصادی کشور، در دست دولت است و دولت در امور بازار به راحتی دخالت می‌نماید. در این گونه نظام‌ها سرمایه‌گذاران خارجی با محدودیت‌ها و موانع بیش‌تری مواجه‌اند و زمینه سرمایه‌گذاری کم‌تری فراهم می‌گردد. قانون اساسی ایران در اصل ۸۱ و ۴۴ که به نام اصول اقتصادی دولتی نیز یاد می‌شود، اقتصاد بازار را در اختیار خویش قرار داده و بیش‌تر از فعالیت‌های اقتصادی باید از مجرای این دو اصل اقتصادی عبور کنند. با وجود این که رویکرد اقتصادی افغانستان بر مبنای بازار آزاد شکل گرفته است؛ اما این بدین معنا نیست که سرمایه‌گذاران خارجی در همه عرصه‌ها مجاز به فعالیت باشند. به همین علت است که بنابر دلایلی سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهای با اقتصاد باز نیز با محدودیت‌ها و موانع روبه‌رو هستند که نگارنده در این مقاله در تلاش بررسی این مسأله است که سرمایه‌گذاران خارجی در کدام حوزه‌ها با محدودیت‌های فعالیتی مواجه هستند؛ یعنی در این نبشته نگارنده تلاش بر این دارد تا به صورت تطبیقی جنبه‌های سلبی سرمایه‌گذاری خارجی را در افغانستان و ایران به بحث و بررسی گیرد.

مبحث اول: حوزه‌های ممنوع

یکی از معیارهای دیگر کشورهای میزبان [فعالیت‌های ممنوع] است که در قوانین داخلی شناسایی کرده است؛ بنابراین شرکت‌های خارجی نمی‌توانند، دست به فعالیت‌هایی بزنند که توسط کشور میزبان ممنوع شده است. دگرگونی‌های ریشه‌یی در سیاست و اقتصاد بین‌المللی و در رأس همه، شکست اقتصادهای متمرکز اکثر کشورها و نیز فروپاشی نظام دو قطبی و نیز افزایش سرعت روند جهانی‌شدن اقتصاد و همین‌طور شرکت‌های خارجی عامل مؤثری در شکل‌دهی ذهنیت‌های اقتصاد آزاد و فعالیت‌های آزاد شرکت‌ها شد. در

چنین شرایطی گرایش کشورهای جهان سوم به اقتصاد آزاد در داخل، و تجارت آزاد در خارج، با هدف نهایی پیوستن به جرگه صادرکنندگان کالاهای صنعتی متنوع و فرار از دور باطل اقتصاد تک محصولی از ویژگی‌های چرخشی است که اکثریت قریب به اتفاق این کشورها در حال انجام آن هستند. پیوستن به سازمان تجارت جهانی، نفتا و نیز ملحق‌شدن با سایر سازمان‌های جهانی و منطقه‌یی شامل انگیزه‌های تنوع‌بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی و مقررات‌زدایی از آن است.

در طول تاریخ همواره دو برداشت کاملاً متضاد و ناسازگار در خصوص فعالیت‌های اقتصادی وجود داشته است، عده‌یی [بازار آزاد] یا اقتصاد آزاد را منجر به نابرابری فقر و قانون جنگل دانسته و عده‌یی دیگر چنین معضلات را به گستره فعالیت دولت نسبت داده‌اند (یوسفی؛ ۱۳۸۶: ۱۲). طرفداران گروه اول (نخبگان پویا) معتقدند که در یک اقتصاد آزاد، آزادی ورود و خروج و همین‌طور آزادی برای هر نوع فعالیت وجود دارد. آن‌ها معتقدند که همه حقوق برابر دارند، این حق مهم نیست ناشی از فعالیت تولیدکنندگان باشد یا ناشی از مصرف‌کنندگان؛ در هر صورت برابر اند؛ به عبارت دیگر آزادی فعالیت اقتصادی به افراد این حق را می‌دهد که یک معامله پیش‌نهادی را انجام بدهد یا ندهد و هرکسی از حق مشابه برخوردار است.

طرفداران گروه دوم (نخبگان ایستا) عقیده دارند که این مسأله بیش‌تر ریشه اومانیستی دارد که نه تنها انسان را در جای‌گاه حقیقی خویش نمی‌نشانند؛ بلکه او را به‌سوی «خودپرستی» می‌رانند. سودپرستی انسان امروز ناشی از خودپرستی اوست؛ همان‌طوری که می‌دانیم، منفعت‌گرایی و سودپرستی بنیان اقتصاد سرمایه‌داری است و بدون هیچ انحرافی تمدن امروز، ساختار نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خویش را تماماً بر همین بنیان پی‌افکنده است (حق‌گو؛ ۱۳۶۶: ۲۹)؛ لذا ضرورت دارد که معیارها و ضوابطی برای آن تعریف گردد تا این نوع اومانیست‌گرایی سرمایه‌داری تحت نظارت باشد. از همین‌روست که برخی از فعالیت‌ها تحت نظارت دولت قرار گرفته و دولت از طریق ابزارهای مشروع که حق انحصاری وضع قوانین و مقررات را در اختیار دارد به نظارت و مهار آن‌ها می‌پردازد.

منظور از فعالیت‌های ممنوع به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که بر مبنای قوانین داخلی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران مجاز به سرمایه‌گذاری نیستند. در این خصوص ممکن است ممنوعیت‌ها صرفاً برای سرمایه‌گذاران خارجی باشند و ممکن است شامل حال سرمایه‌گذاران داخلی نیز گردند؛ اما در این مقاله محدودیت‌های وضع شده که شامل هردو گروه داخلی و خارجی می‌گردد؛ بدین معنا که میان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تفاوتی قائل نگردیده‌اند.

ایران و افغانستان دو کشور اسلامی است، که نظام سیاسی‌شان مبتنی بر اصول اسلامی است؛ بنابراین هر قانونی که مغایر شریعت اسلام باشد از نظر حقوق دو کشور مردود است؛ به همین لحاظ قانون اساسی ایران آن را در اصل چهارم^۲ و قانون اساسی افغانستان در اصل سوم^۳ پیش‌بینی نموده است. اسلام دین کامل

۲. کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازن اسلامی باشد. (اصل چهارم قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۴)

۳. در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد. (اصل سوم قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۶)

است که از ارزش‌های رفیع برخوردار است و کلیه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی که مانع تحقق اندیشه‌ها و ارزش‌های شناخته شده آن گردد ممنوع است. قوانین دو کشور که متأثر از این ارزش‌هاست برخی از فعالیت‌های اقتصادی را که در نتیجه آزادی‌های اقتصادی حاصل می‌گردد محدود کرده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

مبحث دوم: تولید مواد مخدر

هر ماده‌یی که موجب بروز اختلالات در ارگانیزم انسان شود، مواد مخدر محسوب می‌شود (<http://unodc.org>). منظور از مواد مخدر تمام انواع موادی است که مخدر، محرک، توهم‌زا و سستی‌آور بوده و آثار جسمی و روحی را به دنبال دارد که عمده‌تاً شامل تریاک و مشتقات آن، حشیش و ماری‌جوانا و مشتقات آن و کوکابین، هم‌چنین مواد مخدر مکانیزه‌شده را شامل می‌شود. استفاده مواد مخدر سابقه طولانی دارد و از قرن‌ها پیش از گیاهان برای مقابله با درد و کنترل بیماری‌ها استفاده می‌شد. مواد مخدر به‌عنوان دارو و با استفاده مجاز برای هر جامعه لازم می‌باشد؛ ولی مشکل اعتیاد و وابستگی به مواد مخدر برای استفاده‌های غیرپزشکی است. به‌طور کلی دو نوع مواد مخدر وجود دارد: یکی موادی که از گیاهان به‌ویژه خشخاش، کوکابین و حشیش به‌دست می‌آید. نوع دیگر، مواد روان‌گردان است که محصول موادشیمیایی مصنوعی است.

در نوع اول، گیاهان به‌طور عمده در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته آسیا و آمریکای لاتین کشت می‌گردد و بازار محصولات آن در کشورهای صنعتی اروپا و آمریکای شمالی است؛ لذا تجارت این مواد از کشورهای جنوب به‌شمال می‌باشد. مواد مخدر روان‌گردان مصنوعی سیر تجاری عکس نوع اول را داشته و به‌طور عمده در کشورهای صنعتی تولید و در بازارهای جهان سوم مصرف می‌شود (امیرخیزی؛ ۱۳۷۸: ۹۵۳). تجارت مواد مخدر جهان، پرسودترین و عظیم‌ترین تجارت غیرقانونی در جهان محسوب می‌شود، به‌نحوی که براساس گزارش اخیر UNODC^۴، ارزش کل تجارت مواد مخدر در سال ۲۰۰۶ بیش از ۳۲۰ میلیارد دلار بوده است که بسیار بزرگ‌تر از قاچاق انسان (۳۲ میلیارد دلار) می‌باشد (مجله اکونومیست، ۱۳۸۷: ۶۶). به‌عبارت دیگر، تجارت غیرقانونی مواد مخدر دومین رشته درآمد نجومی در جهان امروز، پس از صنعت تسلیحات است، طبق برآورد صندوق بین‌المللی پول، حجم پول در گردش این رشته بین ۵۰۰ میلیارد تا ۵/۱ تا ۵/۴ درصد تولید ناخالص جهان است. در حدود ۱۵ تا ۲۵ درصد از سود خالص آن برای پولشویی صرف می‌گردد؛ زیرا سرمایه‌گذاری سود این تجارت در فعالیت‌های مشروع نقش عمده‌یی در تضمین و سرپوش گذاشتن بر پویایی کل نظام بازی می‌کند (بوالوادی؛ ۱۳۸۴: ۲۰۵). گذشته تاریخی نشان می‌دهد که شرکت‌های آمریکایی و شرکت انگلیسی (هندشرقی) با استفاده از تریاک نفوذ امپراتوری بریتانیا را در چین گسترش داد و با قصد افزایش منافع تجاری در ایجاد عدم ثبات در چین نقش عمده‌یی داشت.

^۴. United Nations Office on Drugs and Crime

سوال مطرح این است که شرکت‌های خارجی می‌تواند در ایران و افغانستان به کشت، تولید و مکانیزه‌سازی چنین مواد بپردازد یا خیر؟

در خصوص فعالیت شرکت‌های خارجی یکی مسأله کشت و تولید تریاک است که توسط کشاورزان (دهاقین) صورت می‌گیرد. دیگر بحث ارتقای کیفیت تولید از تریاک خیابانی موسوم به تریاک قهوه‌یی به سمت هروئین سفید با درصد خلوص بیش از ۷۰ درصد است که در سالیان اخیر بر جاذبه تولید، قاچاق و مصرف آن افزوده است. منظور از فعالیت شرکت‌های خارجی در کنار کشت و برداشت محصول، آنچه مهم می‌نماید فرآوری و تبدیل آن به هروئین، مُرفین، شیشه و کراک است که با استفاده از عملیات شیمیایی انجام می‌شود. بعد از تولید و فرآوری آن حمل‌ونقل و توزیع مطرح می‌گردد که با استفاده از عمده‌فروشی و نیز بسته‌بندی آن جهت مصرف خرده‌فروشی برای مصرف‌کننده توزیع گردد که نیازمند یک شبکه است. آیا شرکت‌های خارجی مجاز به انجام چنین پروسه‌یی هستند؟

در مقدمه بحث گفته شد که نظام هردو کشور مبتنی بر اصول اسلامی است. در خصوص حرمت موادمخدر روایات زیادی وارد شده است؛ اما به دلیل ضعیف بودن سند آن به یقین نمی‌توان به آن‌ها استناد کرد (سلمان پور، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۵۲)؛ اما در این میان به دو روایت دینی قرآن (به دست خودتان، خود را به هلاکت نیندازید^۵) و حدیث پیامبر اکرم (ص) (بدانید هر مست کننده‌یی حرام است، هر ماده تخدیرگری حرام است و آن چه بسیارش مست کند، اندک آن نیز حرام است و آن چه عقل را زایل می‌کند، حرام است^۶) می‌توان اشاره کرد.

حقوق ایران در خصوص کشت و تجارت موادمخدر رویکرد متفاوتی داشته است، نخستین بار در سال ۱۲۹۸ش نظام‌نامه تحدید تریاک^۷ را همراه با ضمیمه آن «نظام‌نامه سوخته‌تریاک و شیر» طی ۲۰ ماده به تصویب رساند (اسناد وزارت کشور ایران (داخله)، شماره ۱۴۰۱۰). یک سال قبل از تصویب نظام‌نامه تحدید تریاک، کشت آن توسعه یافت و مقدار تریاک در سال ۱۳۰۲ به ۱۲۰۰۰ تن رسید (نوایی، ۱۳۷۳: ۱۸)؛ این وضع تا سال ۱۳۰۷ ادامه یافت، در این ایام تجارت خارجی تریاک آزاد بود و عموماً به کشورهای شرق صادر می‌شد. در همین سال قانون مربوط به موادمخدر تحت فشار بین‌المللی به نام «قانون انحصار دولتی تریاک» تصویب شد که بر مبنای ماده نخست این قانون کلیه معاملات، نگهداری، انبار کردن، تیاری کردن، حمل‌ونقل، صدور تریاک، شیر و چونه اعم از مصرف داخلی یا خارجی منحصر به دولت شد، که انحصار مزبور به «انحصار دولتی تریاک» مسمی شد^۸.

این قانون مشخص نکرده که شرکت‌های خارجی قادر به فعالیت هست یا نه؛ چون در تبصره ماده «۱۵» همین قانون تریاک، یک امر انحصاری است که از طرف دولت به موسسه‌یی واگذار می‌گردد؛ اما این که آیا

۵. وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ، (سوره بقره، آیه ۱۹۵)

۶. أَلَا إِنَّ كُلَّ مُسَكَّرٍ حَرَامٌ، وَ كُلُّ مُخَدَّرٍ حَرَامٌ، وَ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ حَرَامٌ قَلِيلُهُ، وَ مَا خَمَرَ الْعَقْلَ فَهُوَ حَرَامٌ (کنز العمال: ۱۳۲۷۳). برای معلومات بیشتر ر.ک:

<http://hadith.net/n94-e2997.html>

۷. نظام‌نامه تحدید تریاک و ضمیمه آن نظام‌نامه سوخته‌تریاک و شیر، (مصوب ۲۸ جمادی الاول ۱۲۹۸ش).

۸. قانون انحصار دولتی تریاک، مصوب، ۱۳۰۷/۴/۲۶

واگذاری به مؤسسه خارجی هم امکان پذیر است یا خیر مشخص نیست. چون در تبصره مزبور مقرر شده است که: «مؤسسه انحصاری برای ورود تریاک از خارج، هیچ اجازه نخواهد داد؛ مگر آن که اطمینان حاصل نماید که به مصرف داخلی نخواهد رسید». از اصطلاح مؤسسه انحصاری می توان چنین استفاده کرد که ممکن است دولت این واگذاری را به شرکت خارجی انجام دهد و یا برعکس آن.

در اواخر دهه ۴۰، رژیم پهلوی اقداماتی برای محدودسازی کشت تریاک و مبارزه با توزیع و مصرف آن آغاز کرد، که این مسأله با فراز و نشیب هایی تا سال ۵۷ ادامه یافت؛ اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مبارزه با آن تشدید یافته و مبارزه علیه آن استراتژیک شد. در سال ۶۷ قانون مبارزه با موادمخدر مجدداً اصلاح و تصویب شد^۹، که در ماده نخست آن هر نوع کشت، وارد، صادر، تولید، نگهداری، حمل، خرید، فروش، توزیع، اخفا، ترانزیت، عرضه آن اعم از صنعتی و غیرصنعتی و حتا نگهداری آلات و ابزار آن نیز جرم انگاری شد. براساس این قانون نه تنها موادمخدر طبیعی جرم انگاری شد؛ بلکه براساس ماده (۸) همین قانون مشتقات شیمیایی آن اعم از ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، نگهداری، حمل، خرید و فروش آن نیز جرم انگاری شد؛ پس بر مبنای حقوق ایران، کشت، تولید و توزیع آن افزون بر ممنوعیت، جرم تلقی شده و عاملان آن به جزاهای پیش بینی شده در قانون محکوم می گردد.

حقوق افغانستان در سال ۱۳۰۰^{۱۰} ش تحت عنوان «نظامنامه جزای عمومی» در ماده «۱۲۴» تریاک و موادمخدر را پیش بینی کرد که بر مبنای آن استفاده، خرید و فروش آن در داخل افغانستان ممنوع و برای صادرات مجاز تلقی شد. در نظامنامه های بعدی سال های (۱۳۰۲، ۱۳۰۳ و ماده ۱۰۳ سال ۱۳۰۶^{۱۱}) روی کرد نظامنامه قبلی ادامه داده شد. نخستین تلاش جهت مبارزه با موادمخدر و کشت آن در سال ۱۳۱۳ آغاز شد که در ابتدا با وضع کردن تعرفه های سنگین گمرکی خواستند تا از کشت آن جلوگیری گردد؛ ولی در امر مزبور موفقیت های حاصل نشد، استراتژی فوق را در «اصولنامه دواخانه^{۱۲}» سال ۱۳۱۸ مجدداً با محدودیت های بیش تری پی گرفت؛ اما باز هم موفقیتی نداشت تا این که در سال ۱۳۳۵ (اصولنامه تریاک^{۱۳}) به تصویب رسید و براساس آن کشت تریاک در انحصار دولت درآمد^{۱۴}. یک سال بعد طی اصولنامه جدید

^۹. قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر و الحاق موادی به آن، مصوب ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام

^{۱۰}. نظامنامه جزای عمومی، مصوب ۱۳۰۰/۹/۱

^{۱۱}. نظامنامه جزای عمومی، مصوب ۱۳۰۲/۷/۱۷

^{۱۲}. ماده ۱۰۳: «در افغانستان ساختن شراب و استعمال و اذخال آن و مسکرات به کلی ممنوع است، مگر چرس و بنگ که از محصولات افغانستان است، تنها خرید و فروش آن برای استعمال در داخل ممنوع است [و] اخراج آن به ممالک خارجه ممنوع نیست» نظامنامه جزای عمومی، مصوب ۱۳۰۶/۳/۳۰

^{۱۳}. اصولنامه دواخانه، مصوب ۱۳۱۸/۱۰/۳۰

^{۱۴}. اصولنامه تریاک، مصوب ۱۳۳۵/۵/۹

^{۱۵}. ماده (۱): حق کنترل، زرع و صادرات تریاک به دست دولت است. ماده دوم: زمین هایی که برای کشت خشخاش تعیین می شود، همان زمین هایی است که در پنج سال گذشته نیز قبل از ممنوعیت (زمانی که کشت تریاک در مملکت معمول بود و زرع تریاک (خشخاش) به آن صورت می گرفت) بعد از این نیز به زارعین ن از طرف نماینده دولت لایسنس داده می شود تا براساس آن حق زرع را صاحب بوده و حاصلات تریاک را به نمایندگی دولتی در بدل پول نقد تحویل دهند. (اصولنامه تریاک، مصوب ۱۳۳۵/۵/۹)

کشت، تجارت، ورود و صدور آن را ممنوع اعلام کرده و تنها مشتقات تریاک را که از طرف وزارت صحت عامه جهت تداوی تشخیص داده می‌شد مجاز اعلام کرد.^{۱۶}

در سال ۶۹ قانون مبارزه با موادمخدر^{۱۷} تصویب شد که بر مبنای ماده نخست آن، زرع تریاک (کونار)، بُتۀ چرس (حشیش)، تولید، فرآوری، خرید و فروش، توزیع، صدور، عرضه، نگهداشت، حمل‌ونقل و استعمال موادمخدر از طرف دولت ممنوع شد^{۱۸}؛ به‌همین علت بود که افغانستان به‌خاطر مبارزه با موادمخدر به میثاق ملل متحد با انتقال غیرمجاز موادمخدر و سایکوتراپیک وین^{۱۹} پیوست و از سوی پارلمان افغانستان به‌عنوان قانون درآمد^{۲۰}. جنگ با شوروی و حضور طالبان باعث شد کشت موادمخدر تشدید بیش‌تری پیدا کند. رسمیت‌یافتن امارت طالبان از یک‌سو، فشارهای مجامع بین‌المللی از سوی دیگر باعث شد که ملا عمر رهبر طالبان، در سال ۱۹۹۹ طی فرمان حکومتی کشت آن را مغایر ارزش‌های اسلامی دانسته ممنوع اعلام کند.

بعد از سقوط طالبان تلاش‌هایی در راستای مبارزه با تهدید «اقتصادی موادمخدر» آغاز شد. افغانستان بر مبنای قطع‌نامه ۱۳۷۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد مورخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۱ خود را متعهد به رعایت مکلفیت‌های بین‌المللی دانسته و در این راستا جهت مبارزه علیه دهشت‌افگنی و قاچاق موادمخدر اعلام همکاری نمود. قطع‌نامه مزبور در «موافقت‌نامه بن ۲۱» نیز منعکس شد، که از اداره موقت و لویه‌جرگه اضطراری خواسته شد با جامعه جهانی در مبارزه با موادمخدر و جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی همکاری نماید.

در سال ۸۳ قانون مبارزه با موادمخدر^{۲۱} به تصویب رسید که بعداً در سال ۸۶ مجدداً اصلاح شد. ماده (۲) قانون مبارزه با موادمخدر افغانستان کشت، تهیه، فرآوری، خرید، نگهداشت، توزیع، تولید، تجارت، کمیشن‌کاری، واردات، صادرات، حمل‌ونقل، عرضه، استعمال، ذخیره، اختفای موادمخدر و سایر مشتقات آن را اعم از طبیعی و صنعتی ممنوع کرده و برای عاملان آن‌ها مجازات پیش‌بینی کرد. به تعقیب آن در سال ۸۸ قانون مبارزه علیه مسکرات و موادمخدر^{۲۲} و کنترل آن به تصویب رسید که بر مبنای این قانون اهدافی که در قانون سال ۸۶ در نظر گرفته شده بود، با تعدیلاتی مورد پذیرش قرار گرفت^{۲۳}؛ اما در خصوص فعالیت شرکت‌های خارجی باید گفت که قانون سرمایه‌گذاری خصوصی افغانستان برخلاف حقوق ایران وضعیت فعالیت شرکت‌های خارجی را در خصوص این حوزه طی مواد چهار و پنج مشخص کرده است. ماده چهار این قانون تحت عنوان «سرمایه‌گذاری مجاز» مقرر می‌دارد که کلیه اشخاص داخلی و خارجی در تمام بخش‌های

^{۱۶}. ماده یک: به‌موجب مضار اجتماعی و صحتی تریاک، زرع، تجارت، ورود و صدور و صرف آن به‌صورت عمل و اعتیاد به هر صورتی که باشد، در افغانستان ممنوع است. ماده دوم: تریاک، مشتقات و ترکیبات آن به موجب تصدیق وزارت صحتیه تنها برای تداوی به کار رفته می‌تواند (اصولنامه منع زرع، تجارت، خرید و فروش، ورود و صدور و استعمال تریاک در افغانستان، مصوب ۱۳۳۶/۹/۲)

^{۱۷}. قانون مبارزه با موادمخدر، مصوب ۱۳۶۹

^{۱۸}. ماده یک و دو قانون مبارزه با موادمخدر، مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۳

^{۱۹}. اعلامیه جهانی مبارزه با موادمخدر، مصوب ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۴

^{۲۰}. مصوبه فرمان ملحق شدن افغانستان به میثاق ملل متحد علیه انتقال غیر مجاز موادمخدر و سایکوتراپیک وینا، مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۹

^{۲۱}. موافقت‌نامه بن و اداره انتقالی افغانستان، منعقد در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۴ بن آلمان

^{۲۲}. قانون مبارزه با موادمخدر، مصوب ۱۳۸۳ و اصلاحیه ی آن ۱۳۸۶

^{۲۳}. قانون مبارزه با موادمخدر و مسکرات، مصوب ۱۳۸۸

^{۲۴}. قانون مبارزه علیه مسکرات و موادمخدر و کنترل آن طی پنج فصل و ۶۷ ماده به تاریخ ۱۳۸۸/۹/۳ به تصویب رسید.

اقتصادی افغانستان فعالیت کرده می‌تواند؛ مگر مواردی را که ماده پنجم همین قانون ممنوع کرده است. ماده پنجم قانون سرمایه‌گذاری خصوصی افغانستان عرصه‌هایی را برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بدون درنظر داشت تابعیت آن‌ها ممنوع کرده است. یکی از موارد ممنوعه در این ماده تولید موادمخدر و سایر مواد نشه‌آور^{۲۵} (مست‌کننده) است؛ پس با این توصیف در حقوق افغانستان اصل بر این است که شرکت‌های داخلی و خارجی بدون تمایز در همه عرصه‌ها قادر به فعالیت‌اند؛ مگر مواردی را که قانون ممنوع کرده است. از ماده پنجم قانون سرمایه‌گذاری و سایر مواد قانون مبارزه با موادمخدر می‌توان چنین برداشت که فعالیت در امر موادمخدر افزون بر این که ممنوع است؛ بلکه جرم نیز تلقی شده است؛ اما واقعیت‌های موجود در افغانستان بیان‌گر چیز دیگری است، علاوه بر این که موجب بدنامی افغانستان را در سطح بین‌المللی فراهم کرده است؛ برای اتباع افغانستان نیز لکه ننگ شده است.

دکتر «دانا» پژوهش‌گر ایرانی در مقاله خود تحت عنوان بازار موادمخدر در ایران، معتقد است که عقب‌ماندگی و فقر مردم، عامل اجتماعی تولید موادمخدر در افغانستان است، زیرا تولیدکنندگان تقریباً هیچ راه‌حل دیگری برای ادامه زندگی ندارند (رئیس‌دانا؛ ۱۳۸۱: ۱۰۶). نگارنده معتقد است که این استدلال به دور از واقعیت است و نمی‌تواند مبتنی بر حقایق موجود در افغانستان باشد؛ این که مردم افغانستان فقیراند، شکی نیست؛ ولی این مسأله به معنای اثبات کشت، تداوم تولید، قاچاق و مکانیزه کردن آن نیست؛ زیرا تولید موادمخدر ریشه در دو عامل دیگر دارد: یکی، جنگ و حضور طالبان، دوم، حضور خارجی‌ها به‌ویژه انگلیس. دوام جنگ منوط به حضور طالبان است و حضور طالبان منوط به موادمخدر؛ اگر یکی از آن‌ها (موادمخدر و طالبان) ریشه‌کن گردد، دیگری خودبه‌خود برچیده می‌شود. جنگ نیاز به هزینه دارد، طالبان از این طریق به پول‌های هنگفتی دست می‌یابد تا به اکمالات خویش بپردازد؛ از این‌رو، کشت موادمخدر در مناطقی وجود دارد که حضور طالبان در آن‌جا گسترده‌تراند. گزارش سازمان مبارزه با موادمخدر و جرایم سازمان ملل متحد در افغانستان اثبات‌کننده این مدعاست که اکثر تریاک جهان در مناطق شرقی و جنوبی افغانستان مانند هلمند، قندهار، ارزگان، فراه، نیمروز، ننگرهار، لغمان، بدخشان، دایکندی و بادغیس (۲۰۱۳: UNODC, ۲۰ کاشته می‌شود.

حضور خارجی‌ها در افغانستان وابسته به استدام جنگ است، جنگ با طالبان تضمین‌کننده حضور خارجی‌ها است. موادمخدر در مناطقی کاشته می‌شود که جنگ وجود دارد، مناطق مرکزی افغانستان که عاری از هر نوع جنگ است مواد مخدر در آن مناطق کشت نشده است. خارجی‌ها (به‌ویژه انگلیس) در نتیجه جنگ با طالبان علاوه بر این که هزینه‌های گزافی را بردوش می‌کشند، درآمد بسیار خوبی نیز از موادمخدر افغانستان دارند. برای اثبات این مدعا چند دلیل قوی وجود دارد: یکی این که، ولایت هلمند (مرکز نیروهای انگلیس) که در جنوب افغانستان موقعیت دارد، تنها ولایتی است که بیش‌ترین تریاک افغانستان و جهان را تولید می‌کند؛ اما هیچ‌گاه با مخالفت و ممانعت انگلیس‌ها مواجه نشده است، از آن میان به رادیوی محلی ولایت هلمند که

^{۲۵} ماده پنجم: ۱. سرمایه‌گذاری در ساحت ذیل ممنوع می‌باشد. ۳. تولید موادمخدر و سایر مواد نشه‌آور.

توسط انگلیس‌ها منتشر می‌گردد می‌توان اشاره کرد که در برنامه‌های روزانه‌اش به کشاورزان (دهاقین) افغانستان چنین اطمینان داده می‌شود: «سربازان انگلیسی به هیچ عنوان قصد ویران کردن مزارع خشخاش و نابود کردن منبع درآمدی آن‌ها را ندارند؛ زیرا انگلیسی‌ها برای ساختن افغانستان و تأمین رفاه مردم این کشور به آن‌جا آمده‌اند، نه برای تخریب و واردآوردن زیان به آن‌ها» (مجله اکونومیست، ۱۳۸۷: ۶۷-۶۸). این مسأله خود شاهد پر مدعایی است که اثبات دخالت خارجی‌ها را آشکارتر می‌سازد.

ترویج تخم‌های اصلاح‌شده معروف به نام «بُته‌های امریکایی» در مزارع افغانستان از سال‌های ۲۰۰۴ (کرویتزمن، ۱۳۸۶: ۱۲۴) بدین‌سو دلیل دیگری از رازهای پنهان است که تا قبل از سال ۲۰۰۲ وجود نداشت. از سویی هم شواهدی وجود دارد که در حدود ده درصد از عواید ناشی از موادمخدر افغانستان به کشاورزان و بقیه در جیب قاچاق‌برهای خارجی می‌رسند (براونفیلیر، ۱۳۹۲).

دلیل دیگری که دخالت خارجی‌ها را در کشت موادمخدر تقویت می‌کند، مکانیزه‌سازی و در اختیار قراردادن دستگاه‌ها و مواد مربوط به مکانیزه‌سازی است. تبدیل کردن تریاک قهوه‌یی به هروئین سفید نیازمند ماده «هیدورکلرید اسید» است که این ماده در اختیار معدود کشورها نظیر، کره جنوبی، چین، هندوستان، آلمان، روسیه، هلند و بلژیک قرار دارد (فروغی، ۱۳۸۸: ۲۵)؛ اما این‌که چگونه آن‌ها به داخل افغانستان منتقل می‌گردد، دو راه بیش‌تر ندارد: یا به صورت قاچاق وارد می‌شود و یا هم از طریق نیروهای ائتلاف بین‌المللی منتقل می‌گردد. حال سوال این است که آیا مردم افغانستان دانش مکانیزه و صنعتی کردن آن را دارند یا خیر؟ با قاطعیت می‌توان رد کرد که ندارند؛ زیرا فرآوری آن نیازمند مواد پیشرفته (هیدورکلرید اسید) که در اختیار چند کشور بیش نیست؛ اما این‌که به مرور زمان آن را طی آموزش فراگرفته باشد دور از واقعیت نیست. به همین لحاظ است که گزارش UNODC در ماه نوامبر ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که آزمایشگاه‌های فرآوری‌کننده آن‌ها در ولایت‌های مانند ولایت‌های بدخشان، نیم‌روز، فراه، هرات، ننگرهار، کنر، لغمان، کاپیسا و نورستان قرار دارند (UNODC, ۲۰۰۸: ۱۵۱-۱۵۲).

دلیل دیگر بر رد فرضیه فقر و تنگدستی و دست‌داشتن خارجی‌ها در خصوص کشت تریاک این است که افغانستان دارای ۳۴ ولایت (استان) است که از این میان تنها ولایت‌های نا امن مانند هلمند، ارزگان، قندهار، بدخشان و ننگرهار به کشت آن مصروفند. در حالی‌که اگر فرضیه فقر و تنگ‌دستی درست باشد باید تمام ولایات افغانستان در کشت و زرع آن دخیل باشد؛ زیرا فقر در همه‌جا وجود دارد. دلیل دیگری که در رد فرضیه فقر و تنگ‌دستی می‌توان آورد این است که تقاضا، موجب کشت آن در افغانستان شده است. مهم نیست تقاضا از کجا باشد، داخل یا خارج، نابه‌سامانی‌ها و نابه‌نجاری‌های اجتماعی، فقدان وسایل و امکانات رفاهی برای جوانان، نبود انواع آزادی‌ها، مشکلات جنسی، رو در رویی با تبعیض برای در حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد از معتادان کشورهای همسایه عامل اصلی تداوم تقاضاست. شبکه‌های قاچاق که واسطه میان تولیدکننده و مصرف‌کننده را تشکیل می‌دهد در شکل‌گیری عرضه و تقاضا نقش برانده‌یی دارد.

تنش‌های لفظی میان رئیس‌جمهور کرزی با برخی از سران کشورهای خارجی و تهدید آن‌ها به خروج از افغانستان یکی از دلایل قوی افزایش کشت موادمخدر در سال ۲۰۱۳ است. گزارش سازمان مبارزه با

موادمخدر و جرایم سازمان ملل متحد (UNODC) در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که با وجود کاهش قیمت تریاک در افغانستان؛ اما میزان کشت آن نسبت به سال‌های گذشته (که در سال ۲۰۰۷ به ۱۸۹,۰۰۰ هکتار جریب زمین) افزایش بی‌سابقه داشته است، که به ۲۰۹,۰۰۰ هکتار جریب زمین رسیده است، که در این میان میزان حاصلات آن را ۵۵۰۰ تن نشان می‌دهد (UNODC, ۲۰۱۳: ۵).

با بررسی تطبیقی حقوق دو کشور می‌توان گفت، که ایران در یک مقطع زمانی (۱۳۰۷-۱۲۹۷) از تولیدکنندگان اصلی تریاک به‌شمار می‌رفت که بعداً دولت کشت آن را طی مصوبه قانونی قانون‌مند ساخته و در انحصار دولت قرار داد؛ اما از دهه ۴۰ شمسی بدین‌سو مبارزه با موادمخدر شکل گرفته که بعد از انقلاب اسلامی شدت بیش‌تری داشته است. فعالیت شرکت‌های خارجی علاوه بر این که با موانع قانونی دیگر مواجه است، براساس ماده (۲۱۷) قانون مدنی نیز غیرمجاز است؛ زیرا این ماده حکم می‌کند که موضوع مورد معامله باید مشروع باشد در غیر آن معامله باطل است.

اگر به سیر قانون‌گذاری در افغانستان و ایران دیده شود، هردو کشور گذر تاریخی یک‌سان و مشابهی داشته است، که در اوایل کشت آن کاملاً آزاد بوده، بعداً در اختیار و انحصار دولت قرار گرفته و بعداً کاملاً ممنوع و غیر مجاز اعلام شده است. کشت موادمخدر افغانستان تا دهه ۳۰ قانونی پنداشته شده و از آن به بعد ممنوع اعلام شده است؛ اما با شروع جنگ‌های شوروی سابق و حضور طالبان کشت موادمخدر در افغانستان مجدداً از سر گرفته شده و امروز افغانستان را در صدر کشورهای تولیدکننده موادمخدر قرار داده است؛ هرچند ملاعمر رهبر طالبان در سال ۱۹۹۹ با حرام دانستن کشت تریاک در اسلام طی فرمان صادره آن را ممنوع اعلام کرد، که در جلسه بُن‌آلمان نیز تأکید بر محو آن شد؛ ولی با حضور خارجی‌ها در افغانستان میزان کشت و تولید موادمخدر چند برابر شد. حقوق افغانستان مانند حقوق ایران در قانون مدنی شرط صحت معامله را مشروع بودن موضوع معامله دانسته است، در صورتی که موضوع معامله مشروع نباشد عقد باطل است.^{۲۶} این امر از یک‌سو، قوانین مبارزه با موادمخدر سال‌های ۱۳۳۶، ۸۳، ۸۶ و ۸۸ از سوی دیگر کشت، تولید و هر نوع فعالیت در این خصوص را ممنوع اعلام کرده است. حقوق افغانستان هرچند که فعالیت در بخش موادمخدر را در ماده پنجم قانون سرمایه‌گذاری به‌صراحت ممنوع کرده؛ ولی در همین ماده استثنایی مبنی بر تشخیص کمیسیون سرمایه‌گذاری برای اشخاص مجاز دانسته شده است.

یکی از تمایزهای اصلی حقوق دو کشور این است که حقوق افغانستان فعالیت شرکت‌های داخلی و خارجی را در حوزه موادمخدر به‌صراحت ممنوع اعلام کرده است؛ اما استثنایی که در این زمینه دارد به شرکت‌ها اجازه می‌دهد در بخش‌های مختلف موادمخدر که منظور از آن فعالیت جهت داروسازی و یا فعالیت‌های مشابه باشد اجازه داده شده است؛ در حالی که حقوق ایران اشخاص را از فعالیت در قلمرو

^{۲۶}. ماده ۵۹۰: هرگاه موضوع وجوبه (تعهد) مخالف نظام و آداب عامه باشد، باطل پنداشته می‌شود. ماده ۵۹۱: سبب عبارت از مقصد اصلی ایست که عقد وسیله مشروع رسیدن به آن قرار گرفته باشد. ماده ۵۹۲: هرگاه سبب وجوبه مخالف نظام و آداب عامه بوده یا اصلاً وجود نداشته باشد، عقد باطل پنداشته می‌شود.

موادمخدر منع، ولی در مورد فعالیت شرکت‌های خارجی ساکت است؛ اما مانند حقوق افغانستان استفاده به‌منظور درمان را ممنوع نکرده است.

مبحث سوم: تولید مشروبات الکلی

[تولید مشروبات الکلی] یکی از موارد دیگر فعالیت‌های ممنوع و محدودشده در حقوق افغانستان است، که قانون سرمایه‌گذاری خصوصی پیش‌بینی کرده است. الکل^{۲۷} مایعی است فرار، دارای طعم تند و سوزان و بر دو قسم است: الکل اتیلیک که در تمام نوشابه‌های خمری شراب و امثال آن‌ها موجود است و از شراب انگور یا کشمش گرفته می‌شود و آن را الکل سفید هم می‌گویند، دیگر، الکل متیلیک که از تقطیر چوب به دست می‌آید و آن را عرق چوب هم می‌گویند و قابل نوشیدن نیست و در صنعت و طب به کار می‌رود (زرافشان؛ ۱۳۸۹: ۲۵).

الکل استفاده‌های بسیاری دارد، یکی از کاربردهای الکل‌ها در ساخت داروهای مسکن و شربت‌های خواب‌آور به‌عنوان ماده‌ی زداينده، خشک و ضد عفونی‌کننده، در بیمارستان‌ها و مرکزهای بهداشتی، استفاده می‌شود. استفاده دیگر آن در آزمایش‌گاه‌های پزشکی و اندام‌شناسی - آناتومی - جهت نگه‌داری اعضای بدن کاربرد گسترده‌ی دارد.

در بحث قبلی اشاره شد که هردو کشور دارای نظام اسلامی است. نوشیدن شراب در دین مقدس اسلام بنابر روایات زیادی منع شده است^{۲۸}؛ همان‌طوری که براساس روایات مستند دینی استفاده شراب منع شده، تولید، فروش و توزیع آن نیز منع شده است. مهم نیست تولید و توزیع از سوی اشخاص داخلی باشد یا خارجی، در هردو صورت ممنوع است.

قانون قدیم ایران در خصوص مشروبات الکلی به‌ویژه قاچاق آن موضع روشنی نداشت و همواره مشمول عموماً قوانین مبارزه با قاچاق و قانون مجازات بود، این مسأله خود معلول یک امر مهم است و آن این‌که در زمان رژیم سابق مشروبات الکلی از نظر قانونی [مالیه] داشته و از این‌رو همواره قاچاق مشروبات الکلی در زمره سایر مصادیق قاچاق به حساب می‌آمده است و به‌طور خاص مورد امعان نظر قانون‌گذار واقع نشده بود؛ از همین‌رو، بعد از انقلاب اسلامی مالیه داشتن شراب مورد اختلاف حقوق‌دان‌ها و آرای دادگاه‌ها واقع شد، برخی آن را با توجه به استدلال‌های خود مشمول ماده (۷۰۳) قانون مجازات اسلامی^{۲۹} و عده‌ی دیگری آن را مشمول قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز^{۳۰} سال ۷۴ می‌دانست. تا این‌که مجمع تشخیص مصلحت نظام بعد از اقدام به استفساریه در توضیح عبارت (بهای کالا) در بندهای «الف» و «ب» ماده (۲) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، (مصوب ۷۴/۲/۱۲) چنین مقرر کرد: «ماده واحد - در ارزیابی بهای کالا مشمول بندهای «الف» و «ب» ماده (۲) قانون نحوه اعمال تعزیرات

^{۲۷}. Alcohol

^{۲۸}. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ... (آیه ۲۱۹ سوره بقره)؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنتُمْ سَكَرَى... (آیه ۴۳ سوره نسا)؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره مائده آیه ۹۰)؛

^{۲۹}. قانون مجازات اسلامی،

^{۳۰}. قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز سال، مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲

حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در مواردی که کالای قاچاق فاقد مالیت و ارزش شرعی باشد، مالیت ارزش عرفی آن ملاک ارزیابی است».

از همین روست که قانون گذار در پاراگراف هـ تبصره «۷» قانون بودجه سال ۸۶ نظر مجمع را دال بر مالیت داشتن مشروبات الکلی تأکید نمود و به تعیین جریمه های سنگین تر در این مورد اقدام نمود، مطابق بند «۱» این پاراگراف: «می باید از حداکثر اختیارات قانونی دستگاه های اجرایی علیه محکومان قاچاق کالا و ارز استفاده شود و با به کارگیری توان اجرایی دستگاه های ذی ربط نسبت به تشدید مبارزه با قاچاق و پیش گیری از آن اقدام نمود»^{۳۱}.

پس از انقلاب اسلامی و به تبع آن ضرورت انطباق قوانین با شریعت مقدس اسلام پاره یی از قوانین که با فقه اسلامی مطابقت نداشتند مورد بازنگری قانون گذار قرار گرفتند؛ مانند ماده (۷۰۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ که چنین اشعار می دارد: «هرکس مشروبات الکلی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دو مورد از آن ها محکوم می شود». از مواد فوق چنین نتیجه می گیریم که افزون بر ممنوعیت استفاده، تولید و خرید و فروش آن از نظر قانون جرم بوده و عاملان آن تحت پی گیری قانونی قرار خواهد گرفت.

در حقوق افغانستان تا قبل از سال ۱۳۰۰ش که قانون مدون وجود نداشت براساس روایات و احکام دین مقدس اسلام رسیده گی می شد. در همین سال برای نخستین بار نظام نامه جزای عمومی تحت عنوان (قانون جزای دوران امانیه) به تصویب رسید که در آن مواد (۱۲۴) الی (۱۳۰) به احکام شراب اختصاص داده شد. براساس این قانون علاوه بر ممنوعیت استعمال، خرید، فروش و توزیع آن، برای متخلفان آن ۸۰ ضربه شلاق همراه با جریمه نقدی پیش بینی شد. احکام مواد مزبور در نظام نامه های جزای عمومی سال های ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳ و نیز اصول نامه جزای عسکری^{۳۲} رویه قبلی را در پیش گرفته عاملان آن را مستحق مجازات می دانند؛ پس حقوق افغانستان برخلاف حقوق

^{۳۱}. قانون بودجه سال ۱۳۸۶

^{۳۲}. مواد ۱۲۴ تا ۱۳۱، نظام نامه جزای عمومی، مصوب ۱۳۰۲/۷/۱۷

^{۳۳}. مواد ۱۰۳ تا ۱۰۹، نظام نامه جزای عمومی، مصوب ۱۳۰۳/۷/۱

^{۳۴}. مواد ۱۰۳ تا ۱۰۹، نظام نامه جزای عمومی، مصوب ۱۳۰۶/۳/۳۰

^{۳۵}. اصول نامه گمرکات افغانستان، مصوب ۱۳۱۳/۲/۱ش

^{۳۶}. فصل ۱۴: از نظری عسکری و هم ردیفان شان و طلاب مکاتب حریبه (نظامی)، کسانی که شراب بخورند یا بسازند یا بیع و شرا نمایند یا قمار بزنند یا چرس، بنگ، افیون، معجون، تریاک و سایر اشیای نشه آور و مسکر را بنوشند و بکشند و بخورند یا با مرتکبین این اعمال در اتاق یا مسکن خصوصی خود مساعدت نموده هم دست شوند قرار ذیل به جزای حبس محکوم می شوند: دفعه اول: از ۱۰ تا ۲۰ روز؛ دفعه دوم: از ۲۰ روز تا دو ماه؛ دفعه سوم: از دو ماه تا شش ماه. علاوه بر آن اگر بازهم مرتکب افعال مذکور شوند از خدمت عسکری (سربازی) طرد شده و علاوه بر جزای طرد منصب داران و مأمورین به یک سال حبس محکوم و افراد عسکری مشمول حکم اصل ۲۰۴ اصول محاکمات عسکری می شوند. (اصول نامه جزای عسکری، مصوب ۱۳۲۶/۷/۳)

ایران در خصوص مشروبات الکلی موضع مشخص‌تری داشته و در سال ۱۳۰۰ش، تولید، قاچاق، خرید و فروش آن را جرم‌انگاری نموده، عاملان آن را به‌جزای نقدی و شلاق محکوم دانسته‌اند.^{۳۷}

قانون مبارزه علیه مسکرات و موادمخدر و کنترل آن در سال ۸۸ در ماده (۴۴ و ۴۵) نوشیدن و قاچاق مسکرات را پیش‌بینی نموده است که بر مبنای ماده (۴۴) شخص استفاده‌کننده را به ۸۰ تازیانه (شلاق) و بر مبنای ماده (۴۵) همین قانون قاچاق‌کنندگان را به‌جزای حبس که از دو ماه کمتر و از بیست سال بیشتر نباشد محکوم خواهد کرد. حقوق افغانستان برخلاف حقوق ایران در خصوص فعالیت شرکت‌های داخلی و خارجی در حوزه تولید و توزیع شراب حکم روشن دارد. به‌همین علت ماده (۵) قانون سرمایه‌گذاری افغانستان شرکت‌های داخلی و خارجی را از این نوع فعالیت‌ها ممنوع کرده است. علاوه بر آن، به‌دلیل غیرمشروع بودن موضوع عقد چنین معاملات برحسب ماده (۲۱۷) قانون مدنی ایران و ماده (۵۷۱) قانون مدنی افغانستان باطل تلقی شده و ممنوع است.

مبحث چهارم: تولید اسلحه، خرید و فروش و قاچاق آن

یکی از موارد ممنوع و محدود در حقوق افغانستان [تولید اسلحه، خرید و فروش و قاچاق آن] است که در زمره فعالیت‌های ممنوع قرار گرفته است. بدون شک تجارت اسلحه توسط کشورهای غربی یکی از پردرآمدترین بازار اقتصادی است. آمریکا و روسیه با فروش اسلحه و مهمات همیشه در رأس این غول تجارت قرار دارند. تجارت اسلحه یکی از پرسودترین رشته‌های تجارت بین‌المللی است و قیمت‌هایی که روی انواع سلاح‌ها گذاشته می‌شود غالباً چندین برابر بهای تمام شده آن است؛ زیرا علاوه بر این‌که کارخانه‌های اسلحه‌سازی سودهای کلانی را برای خود منظور می‌کنند، دولت‌های ممالک صادرکننده هم مالیات و حقوق گمرکی سنگینی روی اسلحه صادراتی وضع و قسمتی از مخارج خود را از این طریق تأمین می‌نمایند. در بسیاری از کشورها فروش مستقیم اسلحه از طرف کارخانه سازنده به کشور مصرف‌کننده ممنوع است و چنین معاملاتی باید از طریق دولت انجام گیرد.

روی کرد کشورها در خصوص ساختن اسلحه متفاوت است. در روسیه تمام کارخانه‌ها متعلق به دولت و صادرات آن نیز مستقیماً از طرف دولت می‌باشد. در فرانسه علاوه بر این‌که دولت طرف اصلی معامله در خرید و فروش اسلحه است اکثریت سهام کارخانه‌های بزرگ اسلحه‌سازی و هواپیماسازی را نیز در اختیار دارد. دخالت دولت‌های صادرکننده در معاملات اسلحه، ویژه‌گی‌هایی نیز در تجارت بین‌الملل اسلحه به‌وجود آورده است که در سایر رشته‌های تجارت وجود ندارد. دخالت کشورها در امر جاگزین کردن اسلحه‌های جدید به‌جای قدیم یکی از استراتژی‌های کشورهای فروشنده است. دو دلیل در این امر نهفته است که کشورها در امر صنایع اسلحه‌سازی مداخله می‌کنند: یکی این‌که از طریق در دست داشتن بازار اسلحه، نظارت بیش‌تری بر

^{۳۷} ماده ۱۲۴: در افغانستان ساختن شراب و استعمال و اذخال آن و مسکرات دیگر به مملک بالکلیه ممنوع است. ماده ۱۲۵ و ۱۲۶ کسانی که علناً و مخفیاً شراب نوشی نمایند، به هشتاد دره شلاق و هر دره ۱۰ روپیه جزای نقدی محکوم می‌شود. ماده ۱۲۷: کسانی که شراب را به‌دیگران می‌فروشند، هزار روپیه جزای نقدی و سه سال حبس؛ ماده ۱۲۸: کسانی که شراب‌سازی می‌کنند، بعد از ابطال شراب او، هزار روپیه جزای نقدی و سه سال حبس؛ ماده ۱۲۹: کسانی که از خارج شراب را به افغانستان اذخال (وارد) می‌نمایند، شراب‌برش ابطال و به‌قدر نصف قیمت شراب از وی جریمه گرفته می‌شود و تا سال حبس محکوم می‌گردد (نظامنامه جزای عمومی، مصوب برج اسد سال ۱۳۰۰ش).

امنیت و مهار کردن ناامنی دارد. دوم، این که در حین فروش، اسلحه کهنه را فروخته و جدید را برای کشور نگه می‌دارند. در این خصوص چون هزینه‌های اسلحه‌های جدید سنگین است؛ بنابراین کشورهای متقاضی نیز تمایلی به خرید اسلحه‌های جدید ندارند.

کشورهایی که وقوع جنگ را در آینده حدس می‌زنند و احساس خطر می‌کنند، در پی تدارک و تولید تسلیحات بر می‌آیند که این تدارکات اعم از ساختن استحکامات، بنادر، زرادخانه‌ها، تأمین نیروی انتظامی متخصص و غیره می‌باشند و این کار علاوه بر ضرورت سرمایه‌گذاری ایجاد بازار کار می‌کند (خراسانی؛ ۱۳۸۹: ۱۸۴).

اندیشه‌های سنتی از مدت‌ها قبل چنین استدلال کرده است که هزینه‌های سنگین دفاعی، از به‌کار افتادن منابع کمیاب در سرمایه‌گذاری‌های مستقیماً ثمربخش جلوگیری کرده و انحراف در شکل‌گیری سرمایه‌انسانی را سبب می‌شود؛ در حالی که این دیدگاه اساس ادراکی را می‌سازد، پاره‌یی شواهد حاکی از آن هستند که صرف هزینه‌های نظامی لزوماً به کاهش رشد اقتصادی در تمام کشورهای در حال توسعه نخواهد انجامید. هزینه‌های دفاعی ممکن است با ایجاد تقاضا در زمینه انواع محصولات صنایع سنگین به‌عنوان یک محرک اقتصادی عمل کند. به جرئت می‌توان گفت، در صورت نبود هزینه‌های دفاعی بسیاری از این کارخانه‌ها قابلیت عملیاتی در حد ظرفیت کامل یا نزدیک به آن را نخواهند داشت؛ به علاوه هزینه‌های دفاعی موجب دستیابی به فناوری پیشرفته می‌شود و این امر ممکن است در نهایت به پیدایش کار و جذب سرمایه‌گذاری بیش‌تر منجر گردد (Robert, ۱۹۸۸: chap. ۴).

تا سال ۲۰۱۱ آمریکا و روسیه نخستین کشورهای صادرکننده اسلحه در جهان به‌شمار می‌رفت؛ اما در سال ۲۰۱۲ چین با صادرات بیش‌ترین اسلحه به کشورهای پاکستان، آفریقا، خاورمیانه و سایر کشورها رتبه نخست صادرکننده اسلحه را به‌خود اختصاص داده است (۶: ۲۰۱۳، SIPRI)؛ به همین لحاظ است که آمریکا با ۶۴۰ میلیارد دلار و چین با ۱۸۸ میلیارد دلار بیش‌ترین بودجه نظامی دنیا را داشته (SIPRI, ۲۰۱۴: ۲) و در مقایسه با ایران و افغانستان قابل مقایسه نیست.

سوال قابل طرح این است که شرکت‌های خارجی می‌تواند در ایران و افغانستان به تولید، خرید و فروش اسلحه بپردازد یا خیر؟ حقوق افغانستان در خصوص اسلحه‌سازی ساکت است و قانون و آیین‌نامه خاصی ندارد. حقوق ایران برای نخستین بار قانون حمل اسلحه^{۳۸} را به تصویب رساند؛ اما در خصوص تولید، خرید و فروش آن هیچ ماده‌یی مقرر نکرده است؛ به‌همین سبب اسلحه و موارد مشابه آن را تعریف نکرده است. در سال ۹۰ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارنده‌گان سلاح و مهمات غیرمجاز^{۳۹} به تصویب رسید که در ماده دوم آن سلاح و مهمات را چنین تعریف می‌کند: «مقصود از سلاح و مهمات در این قانون انواع سلاح‌های گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلوله‌زنی و غیرگلوله‌زنی و مهمات مربوط به آن‌ها است».

^{۳۸}. قانون حمل اسلحه، مصوب ۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۸ق

^{۳۹}. قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز، مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۶

حقوق ایران در خصوص فعالیت شرکت‌های خارجی در حوزه تسلیحات نظامی ساکت است؛ اما براساس ماده (۴) قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارنده‌گان سلاح و مهمات غیرمجاز^{۴۰} و ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی آن^{۴۱} مراجع ذی‌صلاح را در خصوص فروش، واردات و صادرات، ساخت و مونتاژ سلاح، مهمات، قطعات و تجهیزات مرتبط با آن‌ها و اقلام و مواد تحت کنترل و حمل انبوه آن‌ها وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح دانسته است. از آنجایی که در بیش‌تر کشورها فعالیت‌های تسلیحاتی از قبیل تولید، فرآوری، خرید و فروش آن در انحصار دولت و یا تحت نظارت دولت قرار دارد؛ لذا در خصوص ایران این امر بعید است که به شرکت‌های خصوصی واگذار گردد؛ چون براساس اصل ۴۴ قانون اساسی ایران، تولید و فرآوری تسلیحات نظامی از صنایع سنگین و مادر است که در اختیار دولت قرار دارد؛ پس با این توصیف فعالیت شرکت‌های خارجی در این حوزه امکان‌پذیر نیست.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های متون قانونی دو کشور نشان می‌دهد که نظام و روی‌کرد اقتصادی دو کشور نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی کاملاً متفاوت است. نظام اقتصادی ایران یک نظام نیمه‌بسته و نیمه‌دولتی است که اکثر بخش‌ها در اختیار دولت قرار دارد و باید به وسیله دولت در اختیار سرمایه‌گذاران قرار داده شود؛ در حالی که نظام اقتصادی افغانستان کاملاً باز بوده و مبتنی بر بازار آزاد و سکتور خصوصی است که در این‌جا دولت بازار را در اختیار اشخاص قرار داده تا با همدیگر رقابت کنند. اتخاذ چنین روی‌کرد و واگذاری آن به بازار باعث شده که دولت در امور اقتصادی مداخله نداشته باشد؛ مگر در موارد خاص که سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی موجب برهم‌زدن نظم عمومی و امنیت کشور گردد.

سیاست تقنینی ایران به گونه‌ی است که میان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تبعیض قائل شده و در برخی موارد سرمایه‌گذاران خارجی مجاز به فعالیت در بخش‌های اقتصادی نیست؛ در حالی که سرمایه‌گذار داخلی در چنین بخشی مشکلی ندارد؛ اما برعکس در حقوق افغانستان چنین نیست و تبعیض میان سرمایه‌گذار داخلی و خارجی وجود ندارد و هردو از نظر قانون‌گذار واحد تلقی شده و فعالیت‌های آن‌ها نیز واحد خواهد بود؛ اما برخی حوزه‌هایی هستند که توسط قانون‌گذار ممنوع شده است، این حوزه‌ها در حقوق هردو کشور واحد بوده و مهم نیست سرمایه‌گذار آن داخلی باشد یا خارجی؛ بلکه در بخش‌های مزبور مجاز به فعالیت نیستند. این بخش‌ها شامل تولیدات مواد هسته‌یی، تولید و پروسس مواد مخدر، تولید و قاچاق اسلحه و تولید مشروبات الکلی می‌گردد که براساس برخورد با نظم عمومی، اخلاق حسنه، امنیت داخلی و بین‌المللی ممنوع گردیده است.

^{۴۰} ماده ۴: وارد کردن هر نوع سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به کشور، خارج کردن آن‌ها از کشور، ساخت، مونتاژ، نگهداری، حمل، توزیع، تعمیر و هرگونه معامله آن‌ها بدون مجوز مراجع ذی‌صلاح جرم است و مرتکب به مجازات‌های مندرج در این قانون محکوم می‌شود.

^{۴۱} آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز، مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۲۱

سرچشمه‌ها

الف) منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. آفاق، محمود. <https://bamyanpress.com/article58475.html> (۱۰ مارس ۲۰۱۱). درآمدی ۶۵ میلیارد دلاری انگلیس از تریاک هلمند.
۳. امیرخیزی، محمد رضا. (پاییز ۱۳۷۸). «اقدام‌های جامعه‌ی بین‌المللی در مبارزه با مواد مخدر». تهران: مجله سیاست خارجی. سال سیزدهم. شماره ۳.
۴. بوالواردی، مجید. (بهار ۱۳۸۴). «تولید مواد مخدر در افغانستان و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران». تهران: فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. سال سیزدهم. دوره چهارم. شماره ۴۹.
۵. حق‌گو، مرتضی. (فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۶). «توسعه و مبانی تمدن غرب: سودپرستی بنیان اقتصاد آزاد». تهران: نشریه جهاد. شماره ۹۷.
۶. خراسانی، محمد مظلوم. (بهار و تابستان ۱۳۸۹). «انسان، اسلحه و جنگ». مشهد: مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ششم. سال هفتم.
۷. رئیس‌دانا، فربرز. (۱۳۸۱). «بازار مواد مخدر در ایران - قیمت، مصرف و تأثیرگذاری تولید خارجی». تهران: مجله جامعه‌شناسی ایران. شماره ۱۴.
۸. زرافشان، عبدالله. (بهار و تابستان ۱۳۸۹). «تاریخچه الکل، بررسی‌های نوین تاریخی». تهران: مجله ؟. شماره ششم و هفتم.
۹. فروغی، محمدرضا. (دی ۱۳۸۸). «پیش‌سازها پاشنه آشیل مبارزه با مواد مخدر در افغانستان». تهران: ماه‌نامه ایران پاک. دوره جدید. شماره ۲۴.
۱۰. مجله اکونومیست. (آذر ۱۳۸۷). «اقتصاد مواد مخدر». (برگردان: علوی لنگرودی، سیدحسن). تهران: شماره ۹۵.
۱۱. نوابی، عبدالحسن. (زمستان ۱۳۷۳). «ماجرای منع تریاک». تهران: گنجینه اسناد. شماره ۱۶.

ب) قوانین و مقررات

۱۲. اصول‌نامه تریاک افغانستان، مصوبه ۱۳۳۵/۵/۹
۱۳. اصول‌نامه تریاک افغانستان، مصوبه ۱۳۳۵/۵/۹
۱۴. اصول‌نامه دواخانه افغانستان، مصوبه ۱۳۱۸/۱۰/۳۰
۱۵. اصول‌نامه گمرکات افغانستان، مصوبه ۱۳۱۳/۲/۱ ش

۱۶. اصول‌نامه جزای عسکری افغانستان، مصوبه ۱۳۲۶/۷/۳
۱۷. اصول‌نامه منع زرع، تجارت، خرید و فروش، ورود و صدور و استعمال تریاک در افغانستان، مصوبه ۱۳۳۶/۹/۲
۱۸. اعلامیه جهانی مبارزه با موادمخدر، مصوبه ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۴
۱۹. آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز ایران، مصوبه ۱۳۹۲/۱۰/۲۱
۲۰. فرمان ملحق شدن افغانستان به میثاق ملل متحد علیه انتقال غیر مجاز موادمخدر و سایکوتراپیک ویانا، مصوبه ۱۳۷۰/۸/۲۹
۲۱. قانون اساسی افغانستان، مصوبه ۱۳۸۲/۱۱/۶
۲۲. قانون اساسی ایران، مصوبه ۱۳۵۸/۸/۲۴
۲۳. قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر و الحاق موادی به آن، ایران، مصوبه ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۴. قانون انحصار دولتی تریاک ایران، مصوبه ۱۳۰۷/۴/۲۶
۲۵. قانون بودجه سال ۱۳۸۶ ایران
۲۶. قانون حمل اسلحه ایران، مصوبه ۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۸ ق
۲۷. قانون مبارزه با موادمخدر و مسکرات افغانستان، مصوبه ۱۳۸۸
۲۸. قانون مبارزه با موادمخدر ایران، مصوبه ۱۳۸۳ و اصلاحیه آن ۱۳۸۶
۲۹. قانون مبارزه با موادمخدر افغانستان، مصوبه ۱۳۶۹/۱۲/۳
۳۰. قانون مبارزه علیه مسکرات و موادمخدر و کنترل آن، مصوبه ۱۳۸۸/۹/۳، افغانستان
۳۱. قانون مجازات اسلامی ایران، مصوبه ۱۳۹۲
۳۲. قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز ایران، مصوبه ۱۳۹۰/۷/۱۶
۳۳. قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز سال ایران، مصوبه ۱۳۷۴/۲/۱۲
۳۴. قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ایران، مصوبه ۷۴/۲/۱۲
۳۵. موافقت‌نامه بُن و اداره انتقالی افغانستان، منعقد در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۴ بن آلمان.
۳۶. نظام‌نامه تحدید تریاک و ضمیمه آن نظام‌نامه سوخته تریاک و شیرۀ افغانستان، مصوبه ۲۸ جمادی الاول ۱۲۹۸ ش.
۳۷. نظام‌نامه جزای عمومی افغانستان، مصوبه ۱۳۰۳/۷/۱
۳۸. نظام‌نامه جزای عمومی افغانستان، مصوبه ۱۳۰۰/۹/۱
۳۹. نظام‌نامه جزای عمومی افغانستان، مصوبه ۱۳۰۲/۷/۱۷

۴۰. نظام نامه جزای عمومی افغانستان، مصوبه ۱۳۰۶/۳/۳۰.
۴۱. نظام نامه جزای عمومی افغانستان، مصوبه برج اسد سال ۱۳۰۰ ش.
۴۲. نظام نامه جزای عمومی افغانستان، مصوبه ۱۳۰۶/۳/۳۰.

ج) منابع خارجی

- 1) Brwonlie, Ian, (2003), **Principles of public international law**, 6th edition, Oxford University press
- 2) Robert L. Bledsoe & Boezek, (1988), **International law dictionary**
- 3) UNODC, (Nov 2008), **Afghanistan Opium Survey**, UN Part of Kabul
- 4) UNODC, (Nov 2013), **Afghanistan Opium Survey (Summary Findings)**, UN Part of Kabul
- 5) https://www.iri.edu.ar/publicaciones_iri/anuario/cd_anuario2013/Seguridad/1.pdf
- 6) <https://www.sipri.org/sites/default/files/2016-03/SIPRIYB14Summary.pdf>
- 7) <http://hadithnet/n94-e2997>
- 8) <https://unodc.org>